



## A Textual Analysis of Surah al-Qiyāmah Based on John Searle's Speech Act Theory

Fatemeh sadat Hosseini<sup>a</sup>, Alibagher Taheriniya<sup>b\*</sup>

<sup>a</sup> PhD student in Arabic Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran

<sup>b</sup> Professor, Department of Arabic, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran

### KEYWORDS

text linguistic, Surah al-Qiyāmah, speech act, John Searle

Received: 18 February 2026;  
Accepted: 01 July 2026

Article type: Research Paper  
DOI:10.22034/paq.2026.2085920.4131

### ABSTRACT

The application of modern analytical approaches to Qur'anic studies can open new horizons for semantic interpretation. Among the major theories in language pragmatics is John Searle's speech act theory. This study examines Surah al-Qiyāmah in light of Searle's speech act theory. According to Searle, speech performs different kinds of actions depending on its context. He identifies five categories of speech acts: assertives, expressives, declarations, commissives, and directives. A major function of speech act theory is to reveal the implicit and underlying layers of linguistic meaning. This qualitative study employs content analysis to examine the speech acts found in Surah al-Qiyāmah. The findings indicate that Searle's speech acts occur both independently and in combination throughout the surah. Assertive speech acts, with 12 occurrences, are the most frequent and are used to affirm the certainty of the Resurrection, describe the events preceding the Day of Resurrection, report the condition of believers and unbelievers on that Day, and demonstrate the purposeful nature of human creation. These are followed by assertive–expressive combinations (4 occurrences), declarations (3 occurrences), directives, commissives, and directive–assertive combinations (2 occurrences each), while expressive–declaration combinations occur only once.

\* Corresponding author.

E-mail address: btaheriniya@ut.ac.ir





## تحلیل متن‌شناختی آیات سوره قیامت بر اساس نظریه کنش‌گفتار جان سرل

فاطمه سادات حسینی الف، علی باقر طاهری نیاب\*

الف دانشجوی دکتری ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران،

Fatemehsadathosseini133@gmail.com

ب استاد تمام گروه عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، btaheriniya@ut.ac.ir

چکیده	واژگان کلیدی
مطالعات قرآنی با تکیه بر روش‌های نوین می‌تواند به گشودن افق‌های جدید معنایی منجر شود. از مهم‌ترین نظریه‌های حوزه کاربردشناسی زبان نظریه کنش‌گفتار است. پژوهش حاضر به بررسی آیات سوره قیامت با تکیه بر نظریه کنش‌گفتار جان سرل می‌پردازد. جان سرل معتقد است گفتار به مقتضای سیاق در بردارنده کنش‌های مختلفی است. او پنج کنش‌گفتار اظهاری، عاطفی، اعلامی، تعهدی و ترغیبی را تعریف کرده است. کارکرد مهم کنش‌گفتار عبارت است از استخراج لایه‌های نهفته و ضمنی صورت‌زبانی. نوع این پژوهش کیفی و روش آن تحلیل محتوا است. در سوره قیامت کنش‌گفتارهای سرل هم به شکل مجزا و هم ترکیبی به کاررفته است. کنش‌گفتار اظهاری با ۱۲ تکرار بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده و برای تبیین قطعیت معاد، توضیح رویدادهای قبل از قیامت، گزارش وضعیت مؤمنان و کافر در قیامت و اثبات هدفمندی خلقت انسان از کنش‌گفتار اظهاری استفاده شده است. بعد از آن به ترتیب کنش‌گفتارهای عاطفی با ۴ تکرار، کنش‌گفتار اعلامی با ۳ تکرار، کنش‌های ترغیبی و تعهدی و ترغیبی-اظهاری هر یک با ۲ تکرار و در آخر عاطفی - اعلامی با ۱ تکرار در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار دارند.	متن‌شناسی، سوره قیامت، کنش‌گفتار، جان سرل تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۱۰ مقاله علمی پژوهشی

### ۱. مقدمه

قرآن کریم بخش قابل توجهی از تلاش‌های پژوهشگران را در طول تاریخ به خود معطوف داشته است. بر اساس کلام امیرمؤمنان که باطن قرآن عمیق و شگفتی‌هایش پایان‌ناپذیر است، قرآن کریم استعداد پایان‌ناپذیری برای بسترسازی پژوهشی دارد. امروزه حوزه‌های پژوهش جدید مثل تحلیل‌گفتمان و معنی‌شناسی می‌توانند افق‌های جدید و بی‌کرانی را در استنباط معانی روح‌بخش قرآن به روی پژوهشگران بگشایند.

در پژوهش پیش‌رو سوره قیامت به عنوان ماده پژوهش و نظریه کنش‌گفتار جان سرل به عنوان مبنای نظری پژوهش انتخاب گردید. اهمیت سوره قیامت و کاربرد آن برای زندگی انسان امروزی این است که معانی محوری آن پیرامون اصل محوری معاد و قیامت دور می‌زند و انسان را از مسیر حتمی که از پیمودن آن ناگزیر است آگاه می‌کند، از نحوه جان دادن و ورودش به برزخ، سپس فرا رسیدن قیامت و رویدادهای مربوط به آن و نهایتاً وضع نیکوکاران و بدکاران در قیامت.

\* نویسنده مسئول

همچنین هدف‌مندی خلقت را به انسان یادآوری می‌کند و انسان را به کشف رسالت الهی‌اش به تفکر وامی‌دارد. تکمیل چندوجهی دانسته‌ها پیرامون معاد و قیامت که از پرتوی بررسی کنش‌گفتارهای سوره قیامت محقق می‌شود، انسان امروزی را تا حد زیادی از بلاتکلیفی و سردرگمی می‌رهاند و مسیر زندگی انسان را روشن می‌نماید.

نظریه کنش‌گفتار جان سرل از بهترین نمونه‌های کاربردشناسی زبان است. «در واقع کنش‌گفتار جنبه مهمی از کاربردشناسی زبان است که موضوع بحث آن معانی خاصی است که مشارکین گفتمان بنا به دانش زمینه‌ای خود و تفسیرشان از بافت متن به اجزای تشکیل‌دهنده متن نسبت می‌دهند» (آفاگل‌زاده، ۱۳۷۵: ۲۳۵). لذا کاربست نظریه کنش‌گفتار در تحلیل متون برای پژوهشگران اسلامی امکان تفسیر نظام‌مندتری را به ارمغان آورده است (Botha, 1991: 300).

پژوهش درصدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

کدام نوع از انواع کنش‌گفتارهای سرل در سوره قیامت به کاررفته است؟

کنش‌های گفتاری با چه اهدافی در سوره به کاررفته است؟

فراوانی کاربرد کنش‌های گفتاری در سوره قیامت به چه صورت و با چه اهدافی است؟

روش پژوهش پیش‌رو روش توصیفی تحلیل محتوا بر اساس نظریه کنش‌گفتار جان سرل است، بدین ترتیب که متن سوره با توجه به محتوا و بارمعنایی آن به پاره‌گفتارهایی تقسیم شد، سپس هر پاره‌گفتار با توجه به نظرات مفسرین و تحلیل نگارندگان در چارچوب کنش‌گفتارهای سرل مورد بررسی قرار گرفت.

نظریه کنش‌های گفتار که توسط جان سرل توسعه داده شد با تأکید بر اهمیت بافت و موقعیت کلام، ابزاری قوی برای تحلیل متون فراهم می‌کند. این نظریه بر خلاف برخی رویکردهای نقد نوین که متن را جدای از بافت آن بررسی می‌کنند، بر اهمیت توجه به ناگفته‌ها، معانی ضمنی، ساختارهای زبانی و بافت متنی در تحلیل گفتمان تأکید دارد (حسینی معصوم و رادمرد، ۱۳۹۴: ۱۴۲). در بخش چارچوب نظری، مبنای نظری پژوهش مفصلاً توضیح داده خواهد شد.

### ۱.۱. پیشینه پژوهش

تا کنون پژوهش‌های زیادی بر محور سوره قیامت صورت گرفته که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- مقاله‌ی «بررسی متنی تحلیل سوره قیامت بر اساس فرانش بینافردی نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هالییدی» نوشته دکتر آمنه زارع، یوسف نظری و اسماعیل جدیدی (۱۴۰۲) که در چارچوب دستور نقش‌گرای هالییدی، به مطالعه نحوه و چگونگی تبادل معنا بر اساس رویکرد نقش‌گرای بینا فردی در گفتگوهای متناوب موجود در سوره قیامت پرداخته است.

- مقاله «بررسی نشانه‌معناشناسی آیات مربوط به قیامت و معاد از سوره قیامت بر پایه مطالعات نشان شناختی گریماس» نوشته فریده حق‌بین و فهیمه بیدادیان قمی (۱۳۹۲) که به بررسی و تحلیل آیات قیامت و معاد از سوره قیامت بر اساس مطالعات نشانه‌شناختی گریماس پرداخته است.

- مقاله «تبیین ظرافت‌های بلاغی سوره قیامت و دلالت‌های تفسیری آن با رهیافت سبک‌شناختی» نوشته اصغر شهبازی و محمود شهبازی (۱۳۹۵) که با روش توصیفی تحلیلی بر اساس معیارهای سبک‌شناسی به بررسی زیبایی‌های

ادبی سوره قیامت در ۴ سطح آوایی معنایی ترکیبی و تصویرپردازی پرداخته است.

-مقاله «دیدگاهی نو درباره آیات ۱۶\_۱۹ سوره قیامت و نقد دیدگاه‌های سه‌گانه مشهور» نوشته دکتر عباس مصلاهی پور و محمد برزگر (۱۳۹۶) که دیدگاه‌های مشهور پیرامون آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره قیامت را بیان و نقد کرده و توضیحات جدیدی بر پایه مستندات علمی بر آن افزوده‌اند.

-مقاله «آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره قیامت: مخاطب‌شناسی و زمان خطاب» نوشته علی اصغر آخوندی (۱۳۹۲) که دو نگاه رایج به آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره قیامت بر محور زمان خطاب و مخاطب را بررسی و ارزیابی کرده است.

-مقاله «موسیقی التکرار الصوتی» نوشته عزه عدنان أحمد عزه (۲۰۱۸) که به عنصر تکرار و انواع آن در سوره قیامت پرداخته است.

طبق بررسی‌های به عمل آمده تا کنون پژوهشی بر محور سوره قیامت باتکیه بر نظریه کنش‌گفتاری جان سرل انجام نشده است. تمایز پژوهش پیش‌رو نسبت به پژوهش‌های مرتبط این است که مبنای نظری آن از نظریات کاربردشناسانه در حیطه علوم انسانی است که منجر به گشوده شدن افق‌های جدید در فهم معانی قرآنی می‌شود.

## ۲. چارچوب نظری

کنش‌گفتار<sup>۱</sup> یکی از فروع علم تحلیل‌گفتمان است. تحلیل‌گفتمان<sup>۲</sup> اصطلاحی کلی از رویکردهای مطرح شده در حوزه زبان‌شناسی است و به مطالعاتی که زبان نوشتاری گفتاری یا نشانه‌شناختی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند اطلاق می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸). گفتمان مجموعه پیچیده‌ای از روابط است که شامل روابط ارتباطی بین افرادی که با هم صحبت می‌کنند، می‌نویسند و به روش‌های دیگر ارتباط برقرار می‌کنند می‌شود (Fairclough, 2013: 1\_3). کنش‌گفتار شاخه‌ای از زبان‌شناسی و فلسفه زبان است که در آن گفتار انسان فقط شامل کلمات و جملات نیست، خود گفتار یک عمل است و هدف و نیت خاصی دارد و از طریق این قسمت‌های گفتار ترفندهای زبانی را آگاهانه و ناخودآگاه به کار می‌برد که به آن کنش‌گفتاری می‌گویند. (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۳) سرل گزاره‌ها را بر اساس کارکرد آن به ۵ دسته تقسیم می‌کند: اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی. این طبقه‌بندی به دلیل ماهیت غیرانحصاری خود امکان هم‌زمانی چند کنش را در یک گزاره فراهم می‌کند که مورد تحسین و روشور قرار گرفته است (Verschueren, 2003: 24).

کنش اظهاری: آن دسته از کنش‌های گفتاری که نشان‌دهنده باور گوینده به درست بودن اوضاع امور است. در این کنش افعالی خاص به کار می‌رود از جمله: شروع کردن، ادعا کردن، آشکار کردن، بحث کردن، بیان کردن، پاسخ دادن، تأیید کردن، توصیف کردن، توضیح دادن، شرح دادن و گزارش دادن (افضلی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۶۴). هدف از کنش اظهاری توصیف موقعیت یا رویدادی است که در آن گوینده نظر خود را در مورد درستی یا نادرستی یک مطلب بیان می‌کند (صفوی، ۱۳۸۷: ۸۲).

کنش ترغیبی: این نوع کنش‌گفتار تلاش‌هایی است که گوینده در جهت ترغیب و واداشتن شنونده به انجام کاری صورت می‌دهد. محتوای گزاره‌ای این نوع کنش این است که شنونده کنشی را در آینده انجام دهد (Searl, 1999).

<sup>1</sup> Speech act

<sup>2</sup> Discourse analysis

13-14). تلاش‌ها برای وادار کردن شنونده به انجام کاری ممکن است متواضعانه باشد، مانند دعوت یا پیشنهاد یا ممکن است شدیدتر باشد، مانند دستور یا اصرار بر انجام کار. برخی افعال کنش‌ترغیبی عبارت‌اند از: درخواست، دستور، فرمان، توصیه، التماس، هشدار، دعوت، نصیحت، اطمینان، روحیه و تشویق (Searl, 1979: 13).

کنش عاطفی: این کنش حالات روانی گوینده را درباره شرایطی که در محتوای گزاره‌ای مشخص شده است بیان می‌کند (Searle, 1979: 15). در این کنش گوینده نه تلاش می‌کند تا جهان بیرون را با کلماتی که بیان می‌کند مطابقت دهد و نه کلمات بیان شده را با جهان بیرون، بلکه صدق و حقیقت گزاره بیان شده بدیهی فرض می‌شود. (Searle, 1999: 15) برخی افعال دربردارنده کنش عاطفی عبارت‌اند از: عذرخواهی، تأسف، ابراز پشیمانی، تشکر، تبریک (Searle, 1983: 173).

کنش اعلامی: شامل کنش‌های گفتاری است که به محض بیان آنها تغییراتی واقعی در جهان بیرون ایجاد می‌شود. (Searle, 1999: 17) هدف این کنش اعلام شرایط تازه‌ای برای مخاطب است. در این نوع کنش هم کلمات بیان شده با جهان بیرون مطابقت می‌کند و هم جهان بیرون با کلماتی که گوینده بیان می‌کند (فضائی و نگارش، ۱۳۹۰: ۹۱). برخی افعال کنش اعلامی شامل: انتصاب کردن، اعلام کردن، آغاز کردن، پایان دادن، به کار گماردن، نام‌گذاری و محکوم کردن است (نجفی ایوکی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷).

کنش تعهدی: شامل کنش‌های گفتاری می‌شود که گوینده را نسبت به سیر اعمال آتی متعهد می‌کند (آلام، ۱۳۸۲: ۲۰۶). به بیانی دیگر توان منظوری این کنش آن است که گوینده خود را متعهد می‌سازد تا عملی را در آینده انجام دهد (Searle, 1999: 14). افعالی چون: قسم خوردن، تعهد دادن، قول دادن، ثابت کردن و ضمانت کردن نمونه‌هایی از این کنش گفتاری هستند (نجفی ایوکی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶).

### ۳. بررسی کنش‌گفتارهای موجود در سوره قیامت

در این قسمت، به منظور ارائه نظام‌مندتر اطلاعات، ابتدا آیات سوره را طبق انسجام معنایی به پاره‌گفتارهایی تقسیم کرده و کلیه پاره‌گفتارها را در چارچوب کنش‌گفتار اظهاری، اعلامی، تعهدی، ترغیبی و ترغیبی مورد بررسی قرار دادیم.

#### ۳.۱. کنش‌گفتارهای اظهاری

در این قسمت به استخراج و تحلیل کنش‌گفتارهای اظهاری سوره قیامت می‌پردازیم. کنش‌گفتارهای اظهاری پیرامون تایید، تکذیب، تفسیر، توضیح یا تعریف یک واقعیت می‌گردد. به مقتضای بافت سوره، کنش‌گفتارهای اظهاری با هدف توضیح قیامت، معاد و رویدادهای پیرامون این دو اصل مهم به کار رفته‌است.

##### ۳.۱.۱. بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ (قیامت: ۴)

معنای آیه این است که آری! ما استخوان‌های او را جمع می‌کنیم در حالی که قادریم حتی انگشتان او را مانند خلقت اولیه‌اش دوباره صورتگری کنیم (همان: ۱۰۴).

کنش‌گفتار موجود در این آیه اظهاری است؛ خداوند در این آیه توانایی‌اش بر صورتگری دوباره انسان بعد از مرگ را مورد تاکید قرار داده است تا مخاطب آن را تصدیق کند. خداوند با این تأکید به دنبال تثبیت و تحکیم پایه‌های پذیرش

این اصل اعتقادی در مخاطب است. پیامد این کنش گفتار اظهاری این است که حیات پس از مرگ را با جدیت و دقت بیشتر برای مخاطب اثبات می‌شود، یعنی حیات پس از مرگ به قدری قطعی و دقیق است که حتی سرانگشتان هر کس که مختص خود اوست به همان شکل دنیوی احیاء می‌شود.

### ۳.۱.۲. یَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (قیامت: ۶)

انسانی که تصمیم به معصیت خدا را دارد، سؤالی تکذیبی می‌پرسد که قیامت چه وقت خواهد بود؟ هدف پرسشگر تکذیب وقوع قیامت است تا بتواند با انکار آن عصیانگری اش را توجیه و تسهیل نماید (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰، ۵۹۸). کنش گفتار موجود در این آیه اظهاری است. خداوند در این آیه به پرسش انسان کافر تصریح کرده که چون تصمیم به دنیاگرایی دارد با طرح پرسشی به تکذیب قیامت می‌پردازد و می‌گویند قیامت چه زمانی است؟ دلالت ثانویه این استفهام انکار قیامت است. هدف این کنش گفتار اظهاری تبیین ریشه‌های انکار قیامت و معاد برای مخاطبین است.

### ۳.۱.۳. فِإِذَا بَرِقَ الْبَصْرُ / وَخَسَفَ الْقَمَرُ / وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ (قیامت: ۷-۹)

در این سه آیه سه نشانه قیامت بیان شده است. منظور از برق بصر تحیر چشم در دیدن و دهشت‌زدگی آن است، منظور از خسوف قمر بی‌نور شدن آن است. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۲۰، ۱۰۵) در بیان جمع شدن ماه و خورشید مفسران گفته اند هر دو در کنار هم قرار می‌گیرند یا با هم از مشرق طلوع کرده و در مغرب غروب می‌کنند. گاه گفته‌اند هر دو در از دست دادن نورشان جمع خواهند بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۵، ۲۸۸). کنش گفتار موجود در این پاره گفتار اظهاری است. آیه به گزارش دهی و توضیح حوادث قبل از رستاخیز و تحول بزرگی که رخ می‌دهد و نظام دنیا متلاشی می‌گردد، پرداخته است. پیامد این کنش گفتار، آگاه‌سازی مخاطبین و آماده‌سازی آن‌ها برای حضور در محشر است.

### ۳.۱.۴. كَلَّا لَا وَزَرَ (قیامت: ۱۱)

این جمله پاسخ به انسان‌های مجرم جوینده گریزگاه است و کلمه "وزر" به معنای پناهگاهی چون کوه و قلعه و امثال آن است. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ج ۲۰، ۱۰۵) آیه بیان کرده که هیچ پناهگاه و راه فراری در قیامت وجود نخواهد داشت. کنش گفتار موجود در این آیه اظهاری است؛ آیه در پی توضیح این واقعیت است که در قیامت هیچ چیزی وجود ندارد که انسان از قهر و اراده الهی به آن پناه ببرد. پیامد این کنش گفتار تغییر رویه منکر معاد است، زیرا می‌فهمد با در پیش گرفتن رویه نافرمانی به عاقبتی هولناک و گریزناپذیر دچار می‌شود.

### ۳.۱.۵. يٰۤاَيُّهَا الْاِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمْتَ وَاٰخِرَ (قیامت: ۱۳)

معنای آیه این است که انسان در روز قیامت به هر آنچه که انجام داده و انجام نداده و به تأخیر انداخته آگاه می‌شود (طوسی، ۱۴۱۳: ج ۱۰، ۱۸۹).

کنش گفتار موجود در این آیه اظهاری است؛ زیرا خداوند به توضیح رویدادهای قیامت بندگان پرداخته است که انسان به آنچه که انجام داده و نداده آگاه می‌شود. پیامد این کنش گفتار اقدام انسان به بازنگری اعمالش است. باتوجه به اینکه در محشر با حقیقت اعمالش مواجه خواهد شد، پس او قاعدتاً به بازنگری و اصلاح اعمالش می‌پردازد تا توشه آخرتش را

به خوبی مهیا کند.

### ۶.۱.۳. بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ / وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ (قیامت: ۱۴ و ۱۵)

این آیه نیز در جایگاه خبردهی از احوال انسان در قیامت است که اعضا و جوارح انسان شاهدانی هستند که علیه او در قیامت شهادت می‌دهند و لذا عذرآوری‌های انسان هر چه که باشد شنیده نخواهد شد (همان: ۱۹۰).  
کنش گفتار موجود در این پاره گفتار اظهاری است، زیرا خداوند در ادامه آیات قبلی مشغول گزارش‌دهی از حوادث قیامت است. پیامد این کنش گفتار زدودن عادت عذرآوری است. انسان بر طبق عادت در این دنیا برای توجیه اعمالش متوسل به بهانه‌هایی می‌شود. این ملکه در قیامت هم همراه انسان است؛ ولی آیه به مخاطبین فهماند که عذرآوری در قیامت فایده ندارد؛ لذا انسان آگاه می‌گردد عذرآوری را از همین دنیا کنار بگذارد تا در آخرت گرفتار آن نشود.

### ۷.۱.۳. وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ / أَلِيًّا رَّبِّهَا نَاطِرَةٌ (قیامت: ۲۲ و ۲۳)

این آیه ۲ وصف روز قیامت است که وضعیت مؤمنان را وصف کرده است. معنای دو آیه این می‌شود که صورت‌هایی در قیامت زیبا و خرم است و مسرت و بشاشت درونی از چهره‌ها نمایان است و مراد از "نظر کردن به خداوند در آیه ۲۳ نظر قلبی و دیدن قلب به وسیله حقیقت ایمان است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ج ۲۰، ۱۱). در نظر شیخ طوسی ناظره در آیه ۲۳ به معنای انتظار آن‌ها برای دریافت ثواب اعمال و نعمت از جانب پروردگارشان است (طوسی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۰، ۱۹۲).  
کنش گفتار موجود در این پاره گفتار، اظهاری است؛ زیرا پاره گفتار به توصیف حال مؤمنان پرداخته که در روز قیامت گشاده رویند و توجهشان به سمت پروردگارشان است. طبق نظریه جان سرل کنش گفتار اظهاری به گزارش و توصیف وضعیتی خاص می‌پردازد. پیامد این کنش گفتار ایجاد گرایش در مخاطبین جهت قرارگیری در زمره مؤمنان در محشر از طریق اصلاح عملکردشان است.

### ۸.۱.۳. فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّىٰ / وَلَكِنَّ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ / ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ (قیامت: ۳۱-۳۳)

همه ضمیرها در این پاره گفتار به منکر معاد برمی‌گردد. معنای آیه این است که انسان دعوت اسلام و معارف آن را تصدیق نکرد، نماز نخواند و آن را تکذیب و از قبولش اعراض نمود و وقتی به طرف اهلش می‌رفت مثل کسی که فتحی نمایان کرده، با تکبر می‌رفت (همان: ۱۱۴).

کنش گفتار موجود در این پاره گفتار اظهاری است، زیرا خداوند به گزارش‌دهی از ویژگی‌های انسانی می‌پردازد که در آیات قبلی سوره درباره آن صحبت کرد. انسانی که قدرت خدا بر زنده کردن مردگان را باور ندارد: (قیامت: ۳)، بر نافرمانی از خداوند پافشاری دارد: (قیامت: ۵) و قیامت را انکار می‌کند: (قیامت: ۶). خداوند به منظور تعریف دقیق ویژگی‌های منکرین معاد در پاره گفتار مورد بحث در این بخش، ۵ ویژگی دیگر را به مخاطب معرفی کرده است که عبارتند از: عدم تصدیق اسلام، ترک نماز، تکذیب مبانی دین، رویگردانی از اطاعت خدا و فخرفروشی بر نافرمانی. پیامد این کنش گفتار تربیت انسانی است که به اصول و فروع دین پای بند باشد.

### ۹.۱.۳. أَلْحَسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى (قیامت: ۳۶)

کلمه سدی به معنای مهمل و بی فایده است. معانی آیه این است که آیا انسان گمان می کند که بی هدف خلق شده است و در نظام عالم مهمل رها شد است؟ استفهام موجود در این آیه انکاری است و خداوند با طرح یک سؤال در پی اعلام این است که خلقت انسان هدفدار است (طوسی، ۱۳۱۴ق: ج ۱۰، ۱۹۸).

کنش گفتار موجود در این آیه اظهاری و دربردارنده یک تکذیب و یک تصدیق است. خداوند با طرح یک پرسش ابهامی مبنی بر اینکه خلقت انسان بیهوده است را رد کرده و هدفمندی خلقت انسان را اعلام کرده است که کمالات انسانی برای تحقق اهدافی به انسان بخشیده شده و انسان از تکلیف‌هایش مؤاخذه خواهد شد. پیامد این کنش گفتار این است که انسان‌ها با پیش فرض حکیمانه بودن خلقت به جستجوی نبوغ و رسالتشان می‌پردازند.

۱۰.۳.۱۰. اَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيِّ يُمْنَى / ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى / فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (قیامت: ۳۷-)

(۳۹)

این پاره گفتار دربردارنده یک استفهام تقریری است؛ آیه بیان کرده که آیا انسان از مایعی بی ارزش در رحم زن خلق نشد؟ سپس مراحل تکاملی خلقت را طی کرد، سپس خدا او را در قالب بشری معتدل و آراسته، گویا، بینا و شنوا قرارداد و بعد از پایان مراحل ابتدایی خلقت برایش جنسیت مذکر و مؤنث قرارداد. چگونه انسان گمان می کند که در نظام خلقت بی هدف رها شده در حالیکه در خود دگرگونی‌هایی می‌بیند که دال بر وجود خالق حکیم است؟ (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰، ۶۰۷)

کنش گفتار موجود در این آیه اظهاری است. زیرا خداوند درصدد تصریح به یک واقعیت است که خالق که از بدو خلقت انسان مراحل تکاملی خلقت او را مرحله به مرحله پیش می‌برد و او را به بهترین شکل ممکن به سرانجام می‌رساند، انسان را بی هدف نمی‌آفریند و قطعاً برای او رسالتی تعریف کرده است. این پاره گفتار بر باطل نبودن خلقت انسان تأکید دارد. پیامد این پاره گفتار این است که انسان را به کشف و تحقق رسالت‌هایش وامی‌دارد.

۱۱.۳.۱۱. أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُخَيِّبَ الْمُؤْتَى (قیامت: ۴۰)

آیه دربردارنده استفهام تقریری است و معنای آن این است که خداوندی که انسان را از نیستی به بهترین شکل خلق کرد، قادر است مردگان را نیز زنده کند و به آن‌ها مجدداً حیات بخشد (سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ۵۲۴).

کنش گفتار موجود در این آیه اظهاری است، زیرا خداوند درصدد تبیین توانایی‌اش بر زنده کردن دوباره مردگان بعد از مرگ است. به بیانی می‌توان استنباط کرد خداوندی که انسان را از نیستی به هستی آورد و در خلقتش هنرنمایی کرد، بر حیات بخشی دوباره به مردگان توانا تر است. پیامد این کنش گفتار اصلاح عملکرد مخاطب است. اگر مخاطب بر اساس آیه به وجود زندگی ابدی پس از مرگ یقین یابد، با اصلاح عملکرد دنیوی‌اش اقدام به ساماندهی حیات پس از مرگش می‌کند.

## ۲.۳. کنش گفتارهای اعلامی

در این قسمت به استخراج و بررسی کنش گفتارهای اعلامی می‌پردازیم. کنش گفتار اعلامی گفتاری تحول آفرین است که در جامعه یا یک نهاد یا ایدئولوژی مخاطب تغییر مهمی ایجاد می‌کند. هدف این کنش گفتار اعلام شرایط تازه برای مخاطب است.

### ۳.۲.۱. اِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (قیامت: ۱۷)

قرآن در این آیه مصدر به معنای خواندن است. معنای جمله این است که جمع کردن آیات وحی شده و پیوسته کردن اجزای آن به یکدیگر و قرائت آن بر تو به عهده ماست، و هیچ يك از اینها از دست ما نمی‌رود تا تو عجله کنی و قبل از خواندن ما آن را بخوانی (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۲۰، ۱۰۹).

کنش گفتار موجود در این آیه اعلامی است، زیرا گفتار خداوند در سیاق این آیه که گفتاری تحول‌آفرین است، تحول در سبک دریافت آیه توسط پیامبر (ص) که دیگر هنگام نزول وحی نگران فراموشی آیات نباشد و از روی علاقه پیش از اتمام آن توسط جبرئیل شروع به تکرار آن نکند. تحولی مبنی بر اینکه زین‌پس پیامبر (ص) مطمئن باشد که حفظ آیات قرآن در قلبش با خداوند است و تثبیت آیات در ذهنش را به او بسپارد. این آیه در پی اعلام شرایطی تازه در تلقین آیات قرآن بر پیامبر است. شرایطی که خالی از اضطراب و ترس فراموشی برای پیامبر است. پیامد غایی این کنش گفتار، اثبات الهی بودن قرآن کریم و خالی بودن آن از هرگونه تحریف برای مخاطبین است.

### ۳.۲.۲. اِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ (قیامت: ۱۲)

آیه بیان کرده که قرارگاه نهایی انسان به‌سوی پروردگار است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۵، ۲۸۹) و در روز قیامت مردم نمی‌توانند به‌سوی کسی جز خدا استقرار یابند و به سمت کسی جز او روی آوردند (رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۳۰، ۷۲۵). کنش گفتار موجود در آیه اعلامی است، زیرا مقصد نهایی انسان و دم‌سیر تکامل ابدی‌اش را اعلام کرده است. پیامد این کنش گفتار تربیت انسان موحد است. انسان اگر یقین یابد قرارگاه نهایی‌اش به سمت خداوند است می‌کوشد تا زندگی‌اش را بر محور رضایت او قرار دهد و در طول زندگی دنیایی‌اش در چارچوب الهی سیر کند.

### ۳.۲.۳. اِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ (قیامت: ۳۰)

کلمه "مساق" مصدر میمی است و همان معنای مصدر سوق را می‌دهد. مراد از اینکه در قیامت یا هنگام مرگ سوق به‌سوی خداوند است، این است که بازگشت نهایی به‌سوی اوست. دلیل تعبیر از بازگشت به لفظ مساق برای اشاره به این است که آدمی در این بازگشت، بی‌اختیار است و خواسته یا ناخواسته به‌سوی پروردگار سوق داده می‌شود. تقدیم الی ربک منظور افاده حصر بوده، یعنی بازگشت تنها به‌سوی خداست، نه غیر او (طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ج ۲۰، ۱۱۳). کنش گفتار موجود در این آیه اعلامی است، زیرا آیه در پی اعلام مقصد نهایی انسان است که نقطه نهایی هستی‌اش بازگشت به خداوند است. به بیانی آیه دربردارنده اعلانی عمومی مبنی بر این است که جهت‌گیری حرکت تکاملی خلاق به‌سوی خداوند است. پیامد این کنش گفتار، شکل‌گیری نگرش موحدانه در مخاطب است.

### ۳.۳. کنش‌گفتارهای تعهدی

در این بخش به استخراج و بررسی کنش‌گفتارهای تعهدی سوره قیامت می‌پردازیم. این نوع کنش‌گفتار معمولاً با سوگند و قسم همراه است و تعهد‌گوینده را نسبت به یک چیز می‌رساند. در این سوره خداوند تعهد خویش را نسبت به دو اصل بیان کرده است.

### ۳.۳.۱. لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ / وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللّٰوَامَةِ (قیامت: ۲۱)

آیه اول و دوم هر دو قسم است. جواب قسم لیبعثن است که در تقدیر آمده است و به جهت عظمت امر بعثت از ظاهر کلام حذف شده است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ج ۲۰، ۱۰۳).

کنش گفتار موجود در این پاره گفتار تعهدی است، زیرا خداوند با سوگند به روز قیامت و نفس لوامه انسان متعهد شده که مردم را بعد از مرگ برانگیزاند. کنش گفتار در بردارنده تعهد خداوند نسبت به سیر نهایی انسان پس از مرگ و خروج از عالم دنیا است. جوب قسم به دلیل وضوح آن در تناسب با بافت سوره و محتوای آن در کلام ذکر نشده است. پیامد این کنش گفتار برای انسان این است که او را به فکر تهیه توشه برای زندگی پس از مرگش می اندازد و او را نسبت به کیفیت آن زندگی کنجکاو می کند.

### ۳.۳.۲. إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (قیامت: ۱۹)

خداوند در این آیه اعلام کرده که توضیح احکام، حدود و فرائض آیات قرآن به عهده اوست (سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ۳، ۵۲۲). حسن در تفسیر این آیه گفته منظور این است که تحقیق آن چه در قرآن به تو گفتیم برعهده ماست و در آخرت ما آن را می نمایم (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰، ۶۰۱).

کنش گفتار موجود در این آیه تعهدی است. خداوند گفتاری مستقل مربوط به تبیین معانی آیات را شروع کرده است. خداوند در این آیه خود را مبین و مفسر حقایق قرآنی معرفی کرده است. پیامد این کنش گفتار برانگیخته شدن قوه جستجوگری مسلمانان است. اینکه آیات قرآن نیازمند تبیین و توضیح باشد، سبب می شود مسلمانان به منظور بهره مندی کامل از انوار هدایت قرآنی در جستجوی معارف ژرف آیات که توسط امامان تبیین شده برآیند.

### ۳.۴. کنش گفتارهای ترغیبی

در این قسمت به استخراج و تحلیل کنش گفتارهای ترغیبی سوره قیامت می پردازیم. این کنش گفتار در پی تشویق مخاطب به انجام کاری یا منع او از انجام کاری است که در قالب دستور، خواهش، پرسش به کار می رود.

### ۳.۴.۱. لَا تُحْرِكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ (قیامت: ۱۶)

مخاطب این آیه پیامبر (ص) است. خداوند به پیامبر (ص) دستور داده که از روی عجله، زبانت را برای تلاوت قرآن حرکت نده. طبرسی دلایل مختلف مفسرین را کنار هم جمع کرده و آورده وقتی جبرئیل آیه ای را می آورد، پیامبر از روی علاقه و حرصی که به آیات داشت و از ترس فراموشی سریعاً شروع به تکرار آیه از اول می کرد که خداوند در آیه ۱۶ سوره قیامت ایشان را از این تعجیل منع فرمود (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰، ۶۰۰).

کنش گفتار موجود در این آیه ترغیبی است؛ زیرا طبق نظر سرل زمانی که گفتار مخاطب را تشویق یا وادار به انجام دادن یا ندادن عملی خاص می کند، کنش گفتار ترغیبی است. در این آیه خداوند درصدد بازداشتن پیامبر (ص) از عمل تکرار آیه قبل از اتمام نزولش است. پیامد ضمنی این کنش گفتار برای مخاطبین این است که آن ها را از شتاب زدگی در قرائت آیات قرآن باز می دارد و به تأمل در معانی آیات دعوت می کند.

### ۳.۴.۲. فَادَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (قیامت: ۱۸)

در تفسیر این آیه دو نظر وجود دارد. عده‌ای گفته‌اند منظور خداوند این است که پیامبر تا پایان زمان نزول آیه صبر کند و بعد از جبرئیل بخواند. عده‌ای گفته‌اند منظور این است که بعد از نزول آیات قرآن از شرایع بیان شده در آن‌ها پیروی کن (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۲۹، ۱۱۸).

کنش‌گفتار موجود در این آیه ترغیبی است. در این آیه خداوند پیامبر را به چند چیز ترغیب می‌کند؛ یکی صبر تا هنگام نزول کامل آیه توسط جبرئیل و تکرار آیه بعد از اتمام نزول آن و عمل به شرایع نهفته در آیات. دستور ایجابی خداوند در این آیه آن را در زمره کنش‌گفتار ترغیبی قرار می‌دهد. این کنش‌گفتار پیامدی چندبعدی دارد: اول اینکه همان‌گونه که به پیامبر دستور داد آیات را مانند جبرئیل بخواند، مسلمانان را به قرائت مشهور دعوت می‌کند و آن‌ها را از پیروی از آراء اجتهادی در قرائت باز می‌دارد و دوم اینکه مسلمانان را دعوت می‌کند تا به معارف نهفته در آیات عمل کنند.

### ۳.۵. کنش‌گفتارهای ترکیبی

در چارچوب نظریه سرل این امکان وجود دارد که در یک پاره‌گفتار چند کنش‌گفتار با هم به کار رفته باشد. با توجه به ماهیت آیات قرآن امکان همزمانی چند کنش‌گفتار در هر پاره‌گفتار بالاتر می‌رود، زیرا در آیات قرآن معانی عمیق و چندلایه نهفته است. در این قسمت کنش‌گفتارهای چندوجهی سوره قیامت را استخراج و مورد تحلیل قرار داده‌ایم.

#### ۳.۵.۱. اَيُخَسِبُ الْإِنْسَانُ اَلْنُجْمَعُ عِظَامَهُ (قیامت: ۳)

حسب در این آیه به معنای گمان کردن است. آیه در قالب یک سؤال بیان کرده که آیا انسان گمان کرده که ما استخوان‌هایش را جمع نخواهیم کرد؟ این آیه کنایه دارد بر اینکه مردگان در قیامت زنده خواهند شد. استفهام این آیه دلالت ثانویه توییخی دارد. (همان)

کنش‌گفتار موجود در این آیه اظهاری - عاطفی است؛ اظهاری بودن پاره‌گفتار برخاسته از گزارش و توضیح معاد جسمانی در قیامت و القای حقیقت زنده شدن انسان‌ها پس از مرگ به مخاطب است. پیامد این کنش‌گفتار اظهاری معطوف کردن توجه مخاطب به اعمالش است که در حیات بعد از مرگ با حقیقت اعمال دنیایی‌اش مواجه خواهد شد و با آن‌ها زندگی خواهد کرد. عاطفی بودن کنش برخاسته از سرزنشگری آیه است. آیه به شکل غیرمستقیم انسان را سرزنش می‌کند که آیا انسان با آن ضعف گمان می‌کند که ما قادر به جمع کردن استخوان‌ها و زنده کردنش بعد از مرگ نیستیم؟

#### ۳.۵.۲. بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرْ أَمَامَهُ (قیامت: ۵)

این آیه خبری از خداوند است که انسان کافر گام در مسیر عصیان خداوند نهاده و از مرکب گناه پیاده نمی‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰، ۵۹۸). می‌شد در آیه به ضمیر انسان اکتفا شود و اسم انسان ذکر نشود ولی ذکر شد تا در توییخ و سرکوبی انسان مبالغه شود (طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ج ۲۰، ۱۰۴).

کنش‌گفتار موجود در این پاره‌گفتار کنش‌گفتار اظهاری-عاطفی است. کاربرد کنش‌گفتار اظهاری آیه تشریح تبه‌کاری انسان کافر است که می‌خواهد در طول عمرش گناه کند و قصد بازگشت ندارد. کنش‌گفتار عاطفی آیه به آمدن لفظ انسان برمی‌گردد. خداوند با ذکر لفظ انسان قصد توییخ انسان را دارد و توییخ از کنش‌گفتارهای عاطفی است. خداوند با مبالغه در توییخ کفار قصد بیدارسازی و متنبه کردن آن‌ها را دارد.

### ۳. ۵. ۳. يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُ (قیامت: ۱۰)

این آیه تحسر انسان را در قیامت به تصویر کشیده است. زمانی که انسان گریزگاهی از عذاب الهی نمی‌یابد، با ترس و نگرانی از خویش و از اهالی محشر می‌پرسد: راه فرار کجاست؟ (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ج ۲۹، ۲۷۵)

کنش گفتار موجود در این آیه، کنش اظهاری- عاطفی است. ترسیم تصویر جستجوگری انسان در قیامت به دنبال پناهگاه کنش اظهاری است. ترسیم حالات انسان مجرم یعنی خجل بودن، شرم، ناامیدی که برخاسته از سنگینی بار گناه و ترسش از عذاب الهی است، کنش عاطفی است. پیامد این کنش گفتار تغییر رویه کافران است، زیرا به منکر معاد می‌فهماند عاقبت پافشاری بر نافرمانی پشیمانی و شرمندگی است که شایسته انسان و کرامتش نیست.

### ۳. ۵. ۴. كَلَّا بَلْ تُجِبُّونَ الْعَاجِلَةَ / وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ (قیامت: ۲۰ و ۲۱)

در نظر شیخ طوسی آیه در مقام اعلام خبر است که کافران منافع زودگذر دنیوی را می‌خواهند و عمل برای دیار باقی را رها کرده‌اند و به اعمال دنیوی می‌پردازند که عقاب الهی را به دنبال دارد (طوسی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۰، ۱۹۲). در کنزالدقائق آمده که حرف کلا ادات ردع است که برای نهی پیامبر از عجله و مردم از اصل قرارداد ذکر شده است. سپس آیه یک خطاب تعمیمی باهدف آگاه‌سازی دارد (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۴، ۴۰). ابوحیان اُندلسی معتقد است که آیه در مقام توبیخ کفار در حب دنیا است (ابوحیان، ۱۴۲۰ق: ج ۱۰، ۳۵۰).

کنش گفتار موجود در این پاره گفتار ترغیبی - اظهاری است؛ زیرا آیه با یک ادات ردع شروع شده که القاکننده نهی است. نهی پیامبر از عجله و نهی مردم از اصل قرارداد دنیا و رهاکردن آخرت. اوامر و نواهی در زمره کنش ترغیبی هستند. عبارت بل تحبون العاجلة و تذرون الآخرة، گزارش وضعیتی خاص است. وضعیت مردمی دنیای زودگذر را دوست دارند، برای آن کار می‌کنند و از پرداختن به آخرت غافل شده‌اند. لحن توبیخی آیه جنبه سلبی دارد، یعنی مخاطب را از دنیاگرایی و واگذاری آخرت باز می‌دارد. پیامد این کنش گفتار ترویج آخرت‌گرایی بین مسلمانان است.

### ۳. ۵. ۵. وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ بِآسِرَةٍ / تَتَّظُنُّ أَنْ يَفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ (قیامت: ۲۴ و ۲۵)

در نقطه مقابل مؤمنان گروهی هستند که صورت‌هایشان درهم کشیده است. "باسرة" از ماده "بسر به معنی چیز نارس و کار قبل از موعد است و به درهم کشیدن صورت و عبوس بودن اطلاق شده است، از این جهت که عکس‌العملی است که انسان قبل از فرارسیدن رنج، عذاب و ناراحتی اظهار می‌دارد. به‌رحال آنها وقتی که نشانه‌های عذاب را می‌نگرند، نامه‌های اعمال خویش را خالی از خوبی و مملو از بدی می‌یابند، پریشان و محزون می‌شوند و چهره در هم می‌کشند. "ظن" در اینجا به معنی علم است، یعنی آنها می‌دانند عذابی سخت که پشت آنها را در هم می‌شکند درانتظارشان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۵، ۳۰۶). رازی معتقد است فعل تَتَّظُنُّ در آیه ۲۵ برای تهکم کافران ذکر شده است (رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۳۰، ۷۳۳).

کنش گفتار موجود در این پاره گفتار، اظهاری - عاطفی است. آیه به گزارش وضعیت کافران در قیامت پرداخته که چهره‌هایشان عبوس است و یقین دارند عذابی سخت در انتظارشان است. این کنش اظهاری بار عاطفی نیز دارد، زیرا آیه به شکل ضمنی وضعیت روانی کافران و بعد عاطفی وجودشان را نیز ترسیم کرده است. به عبارتی اندوه و اضطراب حاکم بر وجود کافران در حالت چهره‌شان نمایان شده و سبب گرفتگی و درهم کشیدن چهره‌شان شده است. کلمه باسرة در بردارنده دلالت عاطفی بر ناراحتی و پریشانی کافران است. پیامد این کنش گفتار آگاه‌سازی و بصیرت‌افزایی کافران

است.

### ۳. ۵. ۶. کلاً إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ (قیامت: ۲۶)

کلاً اادات ردع است و برای بازداشتن انسان از ترجیح دنیا بر آخرت ذکر شده است. فاعل جمله (نفس یا روح) به دلیل دلالت سیاق کلام بر آن حذف شده است. بلغت التراقي دال بر فرارسیدن آخرین لحظات زندگی است (رازی، ۱۴۲۰ ق: ۳۰، ۷۳۳ / طباطبائی، ۱۳۹۰ ق: ج ۲۰، ۱۱۳).

کنش گفتار موجود در این آیه ترغیبی - اظهاری است. خداوند با ذکر کلمه کلاً به نهی ترجیح دنیا بر آخرت پرداخته که از این رفتار دست بردارید و بدانید به زودی مرگ به سراغ شما می‌آید و به جهان آخرت می‌روید. امر ونهی از بارزترین مصادیق کنش گفتار ترغیبی است که در این آیه نهی برای بازداشتن انسان از دنیاگرایی آمده است. عبارت إِذَا بلغت التراقي در ادامه آیه شروع گزارش‌دهی از وضعیت احتضار کافران است و آیه را ذیل کنش گفتار اظهاری قرار می‌دهد. گزارش‌دهی وضعیت احتضار کافران در سه آیه بعد نیز جریان دارد. پیامد این کنش گفتار رواج آخرت‌گرایی است.

### ۳. ۵. ۷. وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ / وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ / وَالْتَفَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ (قیامت: ۲۷-۲۹)

این ۳ آیه وضعیت کافران را در حالت احتضار توضیح می‌دهد. آیه ۲۷ بیانگر این است که کافر هنگام جان دادن از روی سختی و شدت ناراحتی صدا می‌زند که آیا طبیعی هست که او را رهایی بخشد؟ آیه ۲۸ بیان ناامیدی کامل انسان کافر هنگام جان دادن است که به جدایی از دنیا یقین پیدا می‌کند. در آیه ۲۹ نیز پیچیده شدن ساق پاها به هم در لحظه مرگ بیانگر شدت ناراحتی و سختی جان دادن است (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق: ج ۲۰، ۱۱۳ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۵، ۳۰۷).

کنش گفتار موجود در این پاره گفتار اظهاری - عاطفی است. از آنجا که این سه آیه در درجه اول حالات کافر محتضر را حکایت می‌کند، ذیل کنش اظهاری قرار می‌گیرد. از طرفی این پاره گفتار در بردارنده کنش عاطفی نیز هست؛ زیرا به شکل ضمنی ابعاد روانی و عاطفی کافر محتضر را نیز پردازش کرده است. جستجوی مداوا کننده در لحظات احتضار دال بر پریشانی و عجز حاکم بر محتضر است. یقین یافتنش به جدایی از دنیا ترسیم‌کننده حالت یأس کامل محتضر از ماندن در دنیا است. پیچیده شدن ساقی در ساق دیگر نیز القاگر شدت سختی جان دادن کافر است که ترس او از آخرت و اعمالش نیز این شدائد را مضاعف می‌کند. پیامد این کنش گفتار بهبود و اصلاح عملکرد کافران است، زیرا انسان هوشمند وقتی مطلع شود که چه جان‌دادن سخت و هولناکی را پیش رو دارد به چاره‌اندیشی برای پیشگیری از آن پرداخته و به سراغ اعمالش می‌رود.

### ۳. ۵. ۸. أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ / ثُمَّ أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ (قیامت: ۳۴ و ۳۵)

خداوند در این دو آیه کافران را تهدید کرده که عذاب الهی برایشان شایسته‌تر است! شایسته‌تر! تکرار این تهدید در بردارنده تأکید است. مفسران معانی متعددی برای این آیه ذکر کردند که به يك معنی جامع بر می‌گردد و آن تهدید به عذاب، مذمت، شر را در بر می‌گیرد؛ اعم از عذاب دنیا، برزخ، و قیامت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵، ۳۱۷). در نظر علامه طباطبائی کلام مذکور فرمان و نفرین خداوند علیه انسان است تا با همین فرمان مهر بر دلش بزند، ایمان و تقوی را بر او حرام کند و بنویسد که این شخص اهل آتش است (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق: ج ۲۰، ۱۱۷).

کنش گفتار موجود در این پاره گفتار عاطفی - اعلامی است. عاطفی بودن این پاره گفتار برخاسته از سرزنش خداوند بر منکر معاد است. خداوند در این پاره گفتار منکر معاد را مذمت می کند که کفر و خروج از چارچوب هدایت اسلامی شایسته آنهاست و آن‌ها لیاقت سرانجام سعادت‌مندان را ندارند. اعلامی بودن پاره گفتار برخاسته از این است که گفتار خداوند در این بخش گفتاری تحول آفرین است. تحولی منفی در مسیر و سرنوشت منکران رستاخیز. خداوند اعلام کرده که قرار است از خیرات دور باشند، بدبختی‌شان مداوم باشد و هلاکت به آن‌ها نزدیک باشد. پیامد این کنش گفتار قرارگیری مردم در گروه مؤمنان است، زیرا ترسیم سرنوشت تفاوت‌مندان کفار مخاطب را از دچار شدن به سرنوشتی مشابه آن‌ها بازداشته و او را به سمت سرنوشت سعادت‌مندان و قرارگیری در زمره رستگاران سوق می دهد.

#### ۴. نتیجه‌گیری

پس از انجام پژوهش نتایج زیر حاصل گردید:

۱. در سوره قیامت همه انواع کنش‌های گفتاری مطرح شده توسط به کاررفته و در برخی پاره گفتارها دو کنش گفتار به شکل ترکیبی در کنار یکدیگر به کاررفته‌اند.

۲. کنش‌های اظهاری باهدف تأکید بر توانمندی خداوند بر زنده کردن مردگان، توضیح مقدمات قیامت، گزارش وضعیت کافر و مؤمن در قیامت، تبیین هدفمندی خلقت انسان به کاررفته‌اند. کنش‌های اظهاری عاطفی باهدف تأکید بر حتمیت معاد و سرزنش منکر معاد، تبیین اصرار کافر بر تبهکاری و توبیخ او، گزارش وضعیت انسان کافر در محشر و ترسیم سختی‌های روحی او، گزارش حالات کافر محتضر و سختی جان‌دانش به کاررفته‌اند. کنش‌های اعلامی باهدف ترسیم خط سیر تکاملی و مقصد نهایی انسان تا خدا و اعلام تغییر در نحوه دریافت وحی توسط پیامبر به کاررفته‌اند. کنش‌های تعهدی برای اعلام دو مسئولیت خداوند یعنی برانگیختن مردگان بعد از مرگ و تبیین معارف قرآنی به کاررفته‌اند. کنش‌های ترغیبی برای بیان دستوردهی پیامبر به تبیین آیات و عدم تکرار آن‌ها هنگام نزول وحی به کاررفته‌اند. کنش‌های ترغیبی اظهاری باهدف گزارش وضعیت انسان کافر و احتضارش، نهی از دنیاگرایی و اهمال آخرت به کاررفته‌اند. کنش عاطفی اعلامی هم باهدف سرزنش منکران معاد و اعلام تفاوت بار بودن سرنوشتشان به کاررفته است.

۳. کنش اظهاری با ۱۲ تکرار بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده که مناسب با محتوای سوره یعنی توضیح حوادث هولناک قبل از قیامت، حتمی بودن وقوع آن، گزارش وضع نیکوکاران و بدکاران، ترسیم احتضار کافر و هدفمندی خلقت انسان است. در رتبه دوم کنش‌های اظهاری عاطفی با ۴ تکرار، در رتبه سوم کنش اعلامی با ۳ تکرار، در رتبه چهارم کنش‌های تعهدی، ترغیبی و ترغیبی اظهاری با ۲ تکرار قرار دارند و در رتبه پنجم کنش عاطفی اعلامی با ۱ تکرار قرار دارد.

#### ۵. منابع

-قرآن کریم

۱. ابوحنیفان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، البحر المحيط فی التفسیر بتحقیق جمیل صدقی محمد. بیروت: دارالفکر
۲. افضلی، فرشته و همکاران، (۱۴۰۳)، «گونه‌های کنش گفتاری در صنعت التفات بر پایه نظریه جان سرل موردپژوهی آیات الاحکام قرآن کریم» نشریه علوم قرآن و حدیث، دوره ۵۶، شماره ۱۱۲، صص ۱۵۵ - ۱۷۹

۳. آقاگل‌زاده، فردوس، (۱۳۷۵)، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی .
۴. بختیاری، ژاله و همکاران، (۱۳۹۰)، بررسی کنش‌های گفتاری مولوی در دفتر اول و دوم مثنوی معنوی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه کردستان
۵. حسینی معصوم، محمد؛ رادمرد، عبدالله، (۱۳۹۴)، «تأثیر بافت زمانی-مکانی بر تحلیل کنش گفتار: مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم» نشریه جستارهای زبانی، دوره ۶، شماره ۳، صص ۶۵-۹۲ .
۶. رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی
۷. سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶ق)، بحر العلوم. بیروت: دار الفکر.
۸. صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: نشر الثقافة الإسلامية
۹. صفوی، کوروش، (۱۳۸۷)، درآمدی بر معناشناسی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن بتصحیح فضل‌الله یزدی طباطبائی. تهران: ناصر خسرو .
۱۲. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
۱۴. فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان ترجمه فاطمه شایسته و دیگران، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۱۵. فضائی، مریم؛ نگارش، محمد، (۱۳۹۰)، «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری» نشریه علوم قرآن و حدیث، دوره ۳، شماره ۸۶، صص ۸۱-۱۱۸ .
۱۶. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۸۶)، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۸. نجفی ایوکی، علی و همکاران، (۱۳۹۶)، «تحلیل متن‌شناسی خطبه شقشقیه بر اساس نظریه کنش گفتاری سرل» پژوهش‌نامه نهج البلاغه، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۱-۱۷ .
19. Botha, J.E, (1991) , Speech act theory and new testament exegesis, HTS, Vol 47, No 2.
20. Fairclough, norman, (2013) , Critical Discourse Analysis, The Critical study of language, Taylor and Francis, Second edition.
21. Searle, John, (1983) , Intentionality An essay in the philosophy of mind, cambridge university press.
22. Serale, John, (1979) , Expression and Meaning Studies in the theory of speech acts, cambridge university press.
23. Serale, John, (1999), speech acts: An Essay in the ghilosophy of language, cambridge

iversity press, New York and Melbourne.

24. Verschueren, j (2003) , Understanding Pragmatics, London: Arnold.